

توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوره‌ی اشکانی گورستان سنگ‌شیر همدان*

لیلا افشاری

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر
le.afshari@gmail.com

امیرصادق نقشینه

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۶/۱۳
(از ص ۱۱۳ تا ۱۳۲)

چکیده

دوره اشکانی یکی از ناشناخته‌ترین دوره‌های تاریخی ایران است و تا سال‌های اخیر آن را «دوره میانه تاریخ تمدن ایران باستان» می‌دانستند. سالیان متمادی شناسایی و بررسی فرهنگ و هنر اشکانی تنها بر پایه کاوش‌های انجام شده در بین‌النهرین و سوریه، به‌ویژه در پالمیر و دورا اروپوس قرار داشت. در ایران تنها محوطه‌های مهم: شوش، کوه‌خواجه، خورهه، قلعه‌یزدگرد، تپه نوشیجان، قلعه‌ضحاک، گورستان طاق‌بستان کرمانشاه، دامنه پارتی بیستون و معبد لائویسه نهانند کاوش شده‌اند. یکی از ارزش‌ترین مواد فرهنگی دوره‌ی اشکانی سفال آن است که موضوعی بسیار مهم، دشوار و ناشناخته است و پژوهش و بررسی آن ضروری است. در دوره‌ی اشکانی نکته مهم این است که در تمام قلمرو اشکانی سفال‌ها یک‌سان نبوده است. در این دوره در هر منطقه ایران سفال‌هایی وجود داشته که مشخصه آن منطقه بوده و با سفال‌های مناطق همجوار متفاوت بوده است. محوطه‌ی سنگ‌شیر در شرق شهر همدان قرار دارد، در شمال شرق این محوطه بر روی تپه‌ای طبیعی یک گورستان وسیع وجود دارد که مجسمه شیرسنگی در بلندترین نقطه جنوب‌غربی آن قرار دارد. این گورستان در سال ۱۳۴۵ ش. توسط "علی اکبر" سرفراز مورد بازدید قرار گرفت و پس از آن در سال‌های ۵۴-۱۳۵۳ ش. توسط "مسعود آذرنوش" کاوش شد که در نتیجه‌ی آن گورهای دوره‌ی: هخامنشی؟، سلوکی؟، اشکانی و اسلامی به‌دست آمد. در این نوشتار یافته‌های -سفال‌ی اشکانی- به‌دست آمده از این گورستان مورد: مطالعه، گونه‌شناسی، مقایسه و تحلیل قرار گرفته‌اند که در نتیجه‌ی آن سه نوع: سفال معمولی، جلینگی و لعاب‌دار شناسایی شد. مطالعه و مقایسه تطبیقی سفال‌ها نشان داد که سفال‌های این گورستان مشابه با سفال‌های محوطه‌های حوزه‌های فرهنگی: غرب، جنوب‌غرب، شمال‌غرب ایران و مرکز بین‌النهرین است. بر اساس مطالعات انجام شده، می‌توان بیان نمود که مجموعه سفالی گورستان سنگ‌شیر همدان مربوط به اوایل و اواسط دوره‌ی اشکانی است.

کلیدواژه‌گان: همدان، سنگ‌شیر، گورستان، دوره‌ی اشکانی، گونه‌شناسی سفال.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد است.

مقدمه

از نظر فرهنگی، منطقه‌ی همدان در حوزه‌ی فرهنگی غرب ایران جای می‌گیرد؛ این حوزه‌ی فرهنگی، با وجود اهمیت بسیار زیادش در مطالعات باستان‌شناسی ایران کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است، با این حال یافته‌های باستان‌شناسی و مدارک تاریخی حاکی از اهمیت این منطقه در دوران تاریخی است. اطلاعات ما از سفال دوره‌ی اشکانی منطقه‌ی غرب ایران محدود است به یافته‌های قلعه‌ی یزدگرد (Keall & Keall, 1981)، دامنه پارتی بیستون (علی‌بیگی، ۱۳۸۹؛ Kleiss, 1996)، تپه نوشیجان (Stronach, 1969; 1974)، خورمه (رهبر، ۱۳۸۲)، گورستان طاق‌بستان کرمانشاه (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۷)، قبور مکشوفه در پای دیوار شرقی مجموعه کنگاور (کامبخش‌فرد، ۱۳۸۶) و معبد لائودیسه در نهاوند (رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰). با وجود این، اطلاعات چندانی از سفال دوره‌ی اشکانی در منطقه غرب ایران به‌ویژه منطقه همدان در دست نیست؛ به‌همین جهت در این نوشتار سفال‌های اشکانی به‌دست آمده از کاوش‌های گورستان سنگ‌شیر همدان که از جمله مواد فرهنگی مهم از دوره اشکانی در شهر همدان است و تاکنون به شکل مطلوب مورد مطالعه قرار نگرفته است، به‌منظور شناخت بهتر ویژگی‌های سفال اشکانی منطقه‌ی غرب ایران، به‌ویژه همدان مورد مطالعه و طبقه‌بندی قرار گرفتند. قطعاً انجام این پژوهش در افزایش دانسته‌های باستان‌شناختی از دوره‌ی اشکانی در محدوده‌ی شهر همدان بسیار مفید و تأثیرگذار خواهد بود.

روش پژوهش

اجرای این پژوهش دارای دو بخش: مطالعات کتابخانه‌ای و مطالعه مواد فرهنگی است.

- ۱- انجام مطالعات کتابخانه‌ای به‌منظور آشنایی با پیشینه تحقیق.
- ۲- مطالعه مواد فرهنگی؛ در این بخش داده‌های سفالی به‌دست آمده از کاوش‌های گورستان سنگ‌شیر همدان بر مبنای خصوصیات فنی، تزئینی و شکل آن‌ها مورد مطالعه، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی قرار گرفتند؛ در مرحله بعد نتایج حاصل از این گونه‌شناسی با مطالعات مشابه در رابطه با سفال دوره اشکانی در مکان‌های باستانی دیگر مقایسه گردید و این مجموعه سفالی به‌طور نسبی تاریخ‌گذاری گردید.

کاوش‌های گورستان سنگ‌شیر همدان

محوطه‌ی سنگ‌شیر که اکنون میدان سنگ‌شیر نامیده می‌شود در شرق شهر همدان واقع است. در این محل یک گورستان وسیع با وسعت ۳۰۰ × ۲۰۰ متر مربع وجود دارد (سرفراز، ۱۳۴۵: ۳)، (تصاویر: ۱ و ۲) که شیرسنگی معروف همدان در بلندترین نقطه‌ی جنوب‌غربی آن قرار دارد (آذرنوش، ۱۳۵۴: ۵۱)، (تصویر: ۳)؛ هم‌اکنون بخش کمی از این محوطه به میدان تبدیل شده و بقیه نیز زیر منازل مسکونی مدفون شده است (تصویر ۴). گورستان سنگ‌شیر در سال ۱۳۴۵ ش. توسط علی‌اکبر سرفراز مورد بازدید قرار گرفته و به شماره ۷۴۹ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است (سرفراز، ۱۳۴۵). کاوش‌های باستان‌شناختی در گورستان محوطه‌ی سنگ‌شیر همدان برای نخستین بار در سال ۱۳۵۳ ش. به سرپرستی مسعود آذرنوش

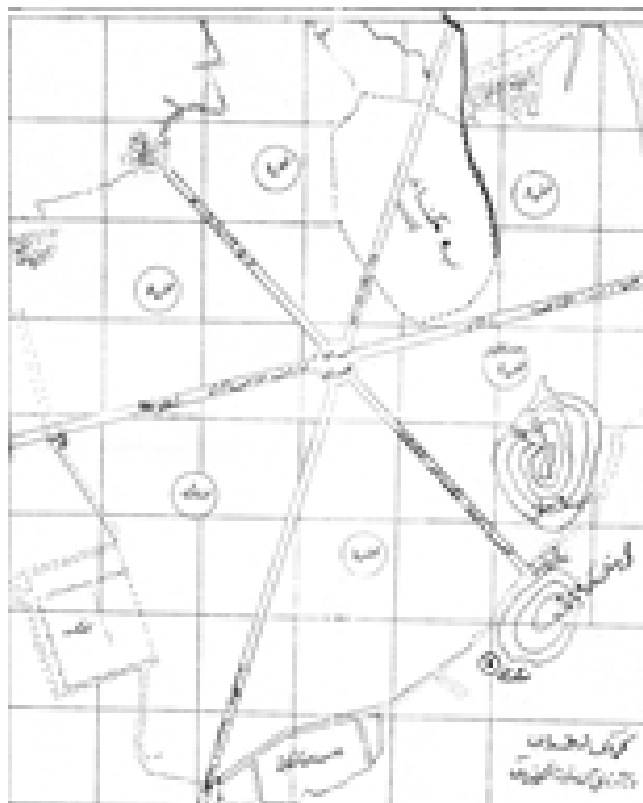
► تصویر ۱: موقعیت میدان سنگ‌شیر همدان نسبت به تپه مصلی و تپه هگمتانه (www.Google earth.com).



► تصویر ۲: نمای گورستان پارتی همدان نسبت به تپه‌ی مصلی که در روی آن آثار قلعه پارتی وجود دارد (سرفراز، ۱۳۴۵: ۷).



► تصویر ۳: کروکی شهر همدان و آثار تاریخی آن و قبرستان مکشوفه پارتی (سرفراز، ۱۳۴۵: ۸)



آغاز گردید و در سال ۱۳۵۴ ش. نیز ادامه یافت (آذرنوش، ۱۳۵۴: ۲۵۳۵). در نتیجه‌ی کاوش‌های صورت پذیرفته چهار نوع تدفین شناسایی شده که شامل: تدفین در تابوت‌های سفالین، تدفین در خمره‌های سفالین، تدفین بدون تابوت (جسد به حالت چمباتمه‌ای)، تدفین بدون تابوت (جسد به حالت طاق‌باز) است (Azarnoush, 1979: 282). آذرنوش در گزارش کاوش سال ۱۳۵۴ ش. این تدفین‌ها را از لحاظ زمانی به سه گروه تقسیم‌بندی می‌کند.

۱- تدفین‌های چمباتمه‌ای را به سبب یافتن سکه‌ای از شاهان محلی کاریه مربوط به قرن چهارم ق.م. می‌داند؛ وی بیان می‌کند که این سکه احتمالاً مربوط به هکاتمنوس (۳۷۷-۳۹۵ ق.م.) است، یعنی همان شاهی که از جانب اردشیر دوم مدتی را به سرپرستی سپاه ایران مامور جنگ با اوگوراس پادشاه یاغی سالامیس شده بود (۳۸۰ ق.م.)، (آذرنوش، ۲۵۳۵: ۴۱-۴۲).

۲- تدفین‌های با تابوت و یا بدون تابوت در جهت شمال شرق-جنوب غرب در حالی که سر در جنوب غرب قرار دارد را بر اساس مطالعات مقایسه‌ای با کاوش‌های انجام شده در مصر و بین‌النهرین با تردید فراوان به دوره‌ی سلوکی؟ نسبت می‌دهد (همان: ۴۷-۴۵).

۳- تدفین‌های با تابوت و یا بدون تابوت در جهت شمال شرق-جنوب غرب در حالی که سر در شمال شرق قرار دارد را، به استناد سکه‌های کشف شده از این تدفین‌ها که مربوط به مهرداد اول، فرهاد دوم و گودرز دوم است، مربوط به اواخر نیمه نخست و اوایل نیمه‌ی دوم سده‌ی دوم دانسته است (آذرنوش، ۱۳۵۴: ۵۵؛ آذرنوش، ۲۵۳۵: ۴۵-۴۲)، (تصویر ۵).

آذرنوش در نتیجه‌گیری‌های خود، گورستان سنگ‌شیر را از زمان اردشیر دوم هخامنشی تا دوره فرهاد دوم اشکانی تاریخ‌گذاری کرده است. وی این سه روش تدفین را بیان‌گر به‌وجود آمدن و گسترش سه جریان مذهبی متفاوت دانسته که طی دو قرن جامعه‌ی آن روز همدان را متأثر ساخته است؛ همچنین استفاده و یا عدم استفاده از تابوت‌های سفالین را در تدفین‌های دوره‌های مذکور بیان‌گر وضعیت اقتصادی اقلشار جامعه آن روزگار دانسته است (همان)؛ همچنین بیان می‌کند که این گورستان بعدها در قرن ۱۳ و ۱۴ م. توسط ساکنان دوره اسلامی همدان مجدداً مورد سکونت قرار گرفته است (Azarnoush, 1975: 182).

گونه‌شناسی سفال اشکانی گورستان سنگ‌شیر همدان

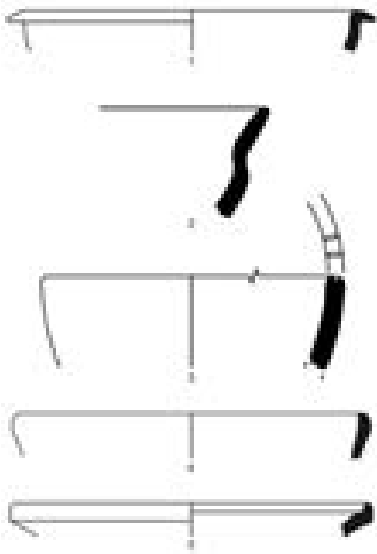
از کاوش‌های گورستان سنگ‌شیر همدان طی دو فصل کاوش در سال‌های ۵۴-۱۳۵۳ ش.، تعداد ۳۰۰۰ قطعه سفال از دوره‌های اشکانی و اسلامی به‌دست آمده است. تمامی این سفال‌ها از گمانه‌ها و ترانسه‌های کاوش به‌دست آمدند و در حال حاضر در بخش سفال موزه ملی ایران نگهداری می‌شوند. در پژوهش حاضر، از میان سفال‌های اشکانی این مجموعه، که ۱۸۴ قطعه است؛ تعداد ۱۱۴ قطعه سفال که شامل تمامی گونه‌ها و اشکال است جهت: طراحی، عکاسی، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی انتخاب گردید. در این پژوهش، سفال‌های اشکانی به‌دست آمده از گورستان سنگ‌شیر همدان بر مبنای خصوصیات فنی (رنگ خمیره، نوع شاموت، میزان پخت، کیفیت ساخت، نوع پوشش، پرداخت)، تزئینی (نوع نقش، تکنیک اجرای نقش) و شکل



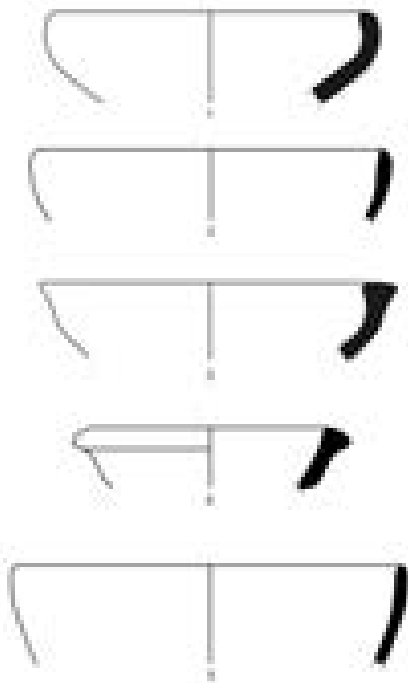
▲ تصویر ۴: مجسمه شیر سنگی و بخشی از محوطه سنگ‌شیر که اکنون به میدان تبدیل شده است (نگارندگان ۱۳۹۲).



▲ تصویر ۵: سکه متعلق به مهرداد اول (شماره ۱)، سکه متعلق به فرهاد دوم (شماره ۲)، سکه متعلق به گودرز دوم (شماره ۳)؛ گورستان سنگ‌شیر همدان (آرشیو موزه ملی ایران).



▲ طرح ۱: سفال معمولی، کاسه‌ها (افشار ۱۳۹۲).



▲ طرح ۲: سفال معمولی، پیاله‌ها (افشار ۱۳۹۲).

آن‌ها مورد طبقه‌بندی و گونه‌شناسی قرار گرفتند. در مرحله بعد، نتایج حاصل از این گونه‌شناسی با مطالعات مشابه در رابطه با سفال دوره اشکانی در مکان‌های باستانی دیگر مقایسه گردید و ارتباط گونه‌شناسی سفال اشکانی سنگ‌شیر همدان با سفال این دوره در دیگر مناطق مورد سنجش قرار گرفت و بر این پایه میزان ارتباطات گونه‌شناسی و مشابهت سفال‌ها مشخص گردید و این مجموعه سفالی تاریخ‌گذاری شد. روش مورد استفاده برای طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های این گورستان، اقتباسی از روش کار "ارنی هرینک" (Haerinck, 1983) برای مطالعه سفال‌های اشکانی در ایران است. به‌طور کلی سفال‌های اشکانی گورستان سنگ‌شیر همدان از لحاظ ویژگی‌های فنی به سه گروه: معمولی، جلینگی و لعاب‌دار تقسیم‌بندی می‌شوند که در ادامه ویژگی‌های کلی هر یک از این گونه‌های سفالی شرح داده شده است.

سفال معمولی

ویژگی‌های فنی: خمیره‌ی سفال‌های معمولی به رنگ: نخودی، قرمز، قهوه‌ای، خاکستری‌روشن، قهوه‌ای‌روشن، نارنجی، نارنجی، نارنجی‌روشن، نارنجی‌تیره، سیاه، خاکستری‌سیاه، قهوه‌ای خیلی روشن، صورتی، صورتی‌تیره، نارنجی‌قهوه‌ای، قهوه‌ای‌روشن مایل به صورتی و قهوه‌ای‌زیتونی است. گل سفال‌ها با شاموت: شن، ماسه، دانه‌های سفید، شن‌ریز، ماسه نرم و در مواردی نیز با استفاده از سنگ‌ریزه و ذرات گچ استحکام بخشی شده است؛ همچنین دانه‌های براق نیز در شاموت اکثریت سفال‌ها وجود دارد که به‌نظر می‌رسد این ذرات براق در خاک خود منطقه وجود داشته و به عمد توسط خود سفال‌گر به گل سفال‌ها اضافه نشده است. احتمالاً این ذرات براق میکا است که معمولاً در خاک‌های رسوبی یافت می‌شود و انواع مختلفی دارد؛ بنابراین اگر گل سفال‌گری از خاک‌های رسوبی انتخاب شود، خمیره‌ی سفال‌های ساخته شده همراه با ذرات میکا خواهد بود (علیزاده، ۱۳۸۲: ۹۲). بیشتر سفال‌ها چرخ‌سازند، ولی در بین آن‌ها تعداد کمی سفال دست‌ساز و تعدادی نیز سفال که به روش ترکیبی یعنی چرخ‌ساز و دست‌ساز ساخته شده‌اند دیده می‌شود. نمونه سفال‌هایی که به روش ترکیبی ساخته شده‌اند در کاوش‌های سلوکیه نیز به‌دست آمده است (Debevoise, 1934: 13). حرارت برای پخت سفال‌ها کافی بوده، ولی در مواردی نیز حرارت مناسب نبوده و به‌همین دلیل مغز سفال به رنگ سیاه دیده می‌شود. سفال‌ها دارای بافت منسجم و فشرده بوده و در بعضی نمونه‌ها اثر چرخ سفال‌گری به‌صورت شیارهایی دیده می‌شود. سطح خارجی و داخلی تعدادی از سفال‌ها به همان رنگ خمیر است و بر سطح داخلی یا خارجی و یا بر هر دو سطح شماری از سفال‌ها پوشش غلیظ یا رقیق به رنگ: قرمز، قهوه‌ای، نخودی و خاکستری‌روشن دیده می‌شود و گاهی سطح سفال‌ها با دست مرطوب پرداخت شده است. از لحاظ کیفیت اغلب سفال‌ها دارای خمیره‌ای متوسط و تعدادی نیز دارای خمیره‌ی خشن و ظریف هستند.

اشکال سفال معمولی

سفال‌های معمولی از نظر شکل تنوع چشم‌گیری دارند که از آن میان می‌توان

به: کاسه‌ها، پیاله‌ها، کوزه‌های گردن‌دار، کوزه‌های بدون گردن، دیگچه‌ها، جام، بشقاب و خمیره اشاره کرد.

۱. **کاسه‌ها:** از فرم‌های شاخص کاسه، که ساخت آن‌ها در دوره‌ی اشکانی رایج بوده، کاسه با لبه‌ی خمیده به خارج به صورت آویزان و بدنه کروی است (طرح ۱: ۱؛ تصویر ۶: ۱)، که نمونه‌ی مشابه آن از بیستون (علی‌بیگی، ۱۳۸۸: ۲۳۲، شکل ۱۱) گزارش شده است؛ با این تفاوت که رنگ خمیره نمونه‌ی معرفی شده از بیستون نخودی متمایل به قرمز و در هر دو سطح دارای پوشش گلی رقیق به رنگ نخودی است.

کاسه با لبه‌ی گرد شده‌ی خمیده به خارج و بدنه‌ی زاویه‌دار (طرح ۱: ۲؛ تصویر ۶: ۲) از دیگر اشکال کاسه‌ها است که مشابه نمونه‌های گزارش شده از تپه‌ی میان سراوان II در شهرستان صحنه (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۱۲: ۱۲) و شوش (Haerincx, 1983: fig 9: 8) است؛ با این تفاوت که رنگ خمیره نمونه‌ی معرفی شده از شوش قهوه‌ای روشن است، قطر کم‌تری دارد و در هر دو سطح نیز دارای پوشش گلی به رنگ سفید است.

کاسه با لبه‌ی گرد شده و تزیین فشرده بر روی لبه و بدنه‌ی نیم کروی (طرح ۱: ۳؛ تصویر ۶: ۳) که نمونه‌ی مشابه آن از بیستون (Kleiss, 1970: Abb 25: 3) گزارش شده است؛ با این تفاوت که نمونه‌ی معرفی شده از بیستون ضخامت کم‌تری دارد و بدون تزیین فشرده بر روی لبه است.

از دیگر اشکال، کاسه با لبه‌ی گرد شده‌ی خمیده به داخل (طرح ۱: ۴؛ تصویر ۶: ۴) است که از لحاظ فرم مشابه به نمونه‌ی گزارش شده از بیستون (Kleiss, 1970: Abb 26: 55) است.

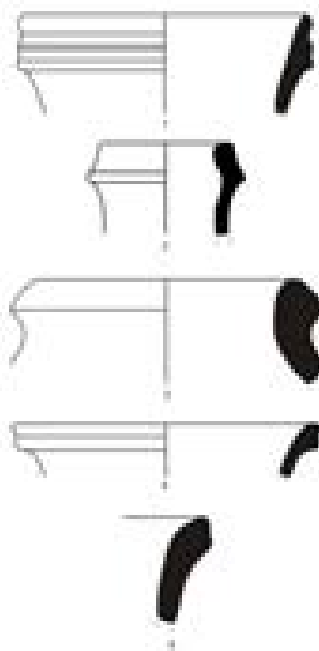
از دیگر اشکال کاسه که نمونه‌های مشابه آن‌ها در سایر محوطه‌های اشکانی دیده نشده، می‌توان به کاسه با لبه‌ی گرد شده‌ی خمیده به داخل و یک زاویه بر روی لبه در داخل و بدنه‌ی شیب‌دار (طرح ۱: ۵؛ تصویر ۶: ۵)، اشاره کرد.

۲. **پیاله‌ها:** پیاله با لبه‌ی گرد شده‌ی خمیده به داخل (طرح ۲: ۱؛ تصویر ۷: ۱) که نمونه‌ی مشابه آن از سلوکیه (Debevoise, 1934: fig 1-10: 6) گزارش شده است با این تفاوت که قطر نمونه‌ی معرفی شده از سلوکیه بزرگ‌تر است.

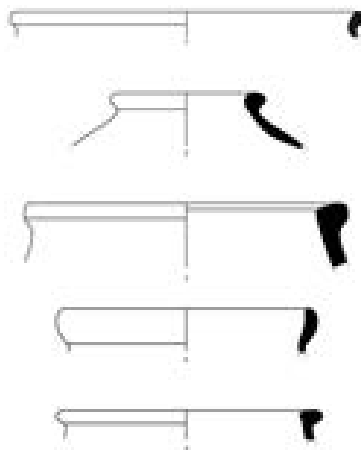
از دیگر اشکال، پیاله با لبه‌ی گرد شده و بدنه نیم کروی (طرح ۲: ۲؛ تصویر ۷: ۲) است که مشابه نمونه‌های گزارش شده از تپه داروغه خوزستان (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴ ب: شکل ۱۴۴: ۲) و تپه بندقییر در دشت میاناب شوشتر (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴ الف: شکل ۲۷: ۱۴) است؛ با این تفاوت که رنگ خمیره نمونه‌ی معرفی شده از تپه داروغه و تپه‌ی بندقییر نخودی رنگ است و نمونه‌ی تپه بندقییر ضخامت بیشتری دارد.

پیاله با لبه‌ی تخت خمیده به خارج (طرح ۲: ۳؛ تصویر ۷: ۳) که نمونه‌ی مشابه آن از بیستون (علی‌بیگی، ۱۳۸۸: ۲۴۴، ۶) گزارش شده است؛ با این تفاوت که نمونه‌ی معرفی شده از بیستون دارای رنگ خمیره قرمز، تکنیک ساخت دست‌ساز، پخت ناکافی، و در شاموت آن ماده آلی (کاه) به کار رفته است.

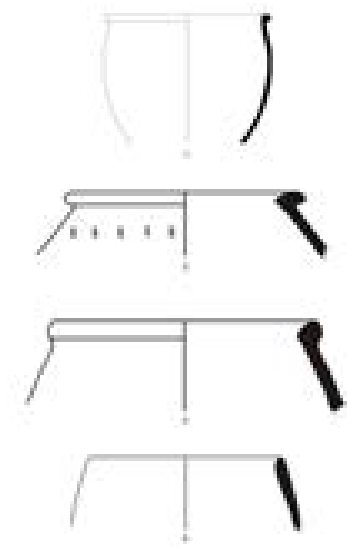
پیاله با لبه‌ی ضخیم شده‌ی خمیده به خارج (طرح ۲: ۴؛ تصویر ۷: ۴) که از لحاظ فرم مشابه به نمونه‌ی گزارش شده از بیستون (Kleiss, 1996: Abb 9) است.



▲ طرح ۳: سفال معمولی، کوزه‌های گردن‌دار (افشار ۱۳۹۲).



▲ طرح ۴: سفال معمولی، کوزه‌های بدون گردن (افشار ۱۳۹۲).



▲ طرح ۵: سفال معمولی، دیگچه‌ها (افشار ۱۳۹۲).

پیاله با لبه‌ی گرد شده (طرح ۲: ۵؛ تصویر ۷: ۵) که از لحاظ فرم به نمونه‌ی گزارش شده از بیستون (Kleiss, 1970: Abb 25: 3) شباهت دارد.

۳. **کوزه‌ها:** کوزه‌ها به دو گروه گردن‌دار و بدون گردن تقسیم می‌شوند.

کوزه‌های گردن‌دار از اشکال شاخص این گروه کوزه با لبه‌ی خمیده به خارج با دو شیار روی قسمت خارجی لبه است (طرح ۳: ۱؛ تصویر ۸: ۱) که نمونه‌ی مشابه آن از بیستون (Kleiss, 1970: Abb 26: 5) و منطقه‌ی ماه‌نشان زنجان (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۶) گزارش شده است؛ با این تفاوت که رنگ خمیره نمونه‌ی ارائه شده از ماه‌نشان، قرمز رنگ و دارای پوشش گلی به رنگ نخودی در هر دو سطح است.

از دیگر نمونه‌ها، کوزه با لبه‌ی گرد شده‌ی خمیده به داخل و یک برجستگی زیر لبه در خارج (طرح ۳: ۲؛ تصویر ۸: ۲) که مشابه نمونه‌ی گزارش شده از تپه داروغه خوزستان (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۴: ب؛ شکل ۱۴۶: ۲) است، با این تفاوت که نمونه‌ی معرفی شده از تپه داروغه خوزستان بدون پوشش است.

از دیگر اشکال شاخص که ساخت آن در بسیاری از محوطه‌های اشکانی رایج بوده، کوزه با لبه‌ی خمیده به خارج به صورت آویزان است (طرح ۳: ۳؛ تصویر ۸: ۳) که نمونه‌ی مشابه آن از منطقه‌ی ماه‌نشان زنجان (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: ۸) گزارش شده است؛ با این تفاوت که رنگ خمیره نمونه‌ی معرفی شده از ماه‌نشان قرمز-قهوه‌ای است و ضخامت کم‌تری دارد.

کوزه با لبه‌ی خمیده به خارج و یک برجستگی در زیر لبه در خارج (طرح ۳: ۴؛ تصویر ۸: ۴) که نمونه‌ی مشابه آن از شوش (Boucharlat, 1987: fig 64: 3) گزارش شده است.

کوزه با لبه‌ی خمیده به خارج و یک شیار روی قسمت خارجی لبه، با دهانه گلابی شکل (طرح ۳: ۵؛ تصویر ۸: ۵) که نمونه‌ی مشابه آن از سایر محوطه‌های اشکانی گزارش نشده است.

کوزه‌های بدون گردن؛ ویژگی مشخص این کوزه‌ها این است که هیچ‌کدام گردن ندارند و لبه ظرف بلافاصله به بدنه متصل می‌شود؛ شکل لبه‌ها متفاوت است و در انواع متنوعی دیده می‌شود که از آن جمله، می‌توان به کوزه با لبه‌ی خمیده به خارج (طرح ۴: ۱؛ تصویر ۹: ۱)، کوزه با لبه‌ی گرد شده‌ی خمیده به خارج (طرح ۴: ۲؛ تصویر ۹: ۲)، کوزه با لبه‌ی متمایل به داخل که در قسمت داخلی ضخیم شده (طرح ۴: ۳؛ تصویر ۹: ۳) و کوزه با لبه‌ی خمیده به داخل که در قسمت خارجی ضخیم شده (طرح ۴: ۴؛ تصویر ۹: ۴) اشاره کرد، که نمونه‌های مشابه آن‌ها در سایر محوطه‌های اشکانی دیده نشده است.

از دیگر اشکال، کوزه با لبه‌ی ضخیم خمیده به داخل (طرح ۴: ۵؛ تصویر ۹: ۵) است که مشابه نمونه‌های گزارش شده از قلعه‌یزدگرد (Keall & Keall, 1981: fig 11: 19) و بیستون (علی‌بیگی، ۱۳۸۸: ۲۴۵، ۱۱) است؛ با این تفاوت که نمونه‌ی معرفی شده از بیستون پخت ناکافی دارد و از لحاظ تکنیک ساخت دست‌ساز و در هر دو سطح نیز دارای پوشش رقیق به رنگ قرمز آجری است.

۴. **دیگچه‌ها:** از اشکال این گروه می‌توان به دیگچه با بدنه کروی و لبه‌ی خمیده به خارج (طرح ۵: ۱؛ تصویر ۱۰: ۱) اشاره کرد که نمونه‌ی مشابه آن از محوطه‌ی

▲ طرح ۶: سفال معمولی، جام، بشقاب، خمیره و کف‌های تخت و مقعر (افشار ۱۳۹۲).

تی‌هله در خرم آباد (خسروی، ۱۳۸۵: شکل ۲: ۶) گزارش شده است؛ با این تفاوت که رنگ خمیره نمونه‌ی معرفی شده از تی‌هله، نخودی و در هر دو سطح نیز دارای پوشش به رنگ نخودی است.

دیگچه با لبه‌ی گرد شده‌ی خمیده به خارج (طرح ۵: ۲؛ تصویر ۱۰: ۲) که نمونه‌ی مشابه آن از خورهه (رهبر، ۱۳۸۲: ۱۵۱، ۱۹) گزارش شده است؛ با این تفاوت که نمونه‌ی معرفی شده از خورهه دارای تزیین فشرده نیست، رنگ خمیره قرمز رنگ است و دارای پوشش به رنگ قهوه‌ای مایل به سیاه در سطح خارجی بوده و از لحاظ تکنیک ساخت نیز دست‌ساز است.

از دیگر اشکال دیگچه‌ها که نمونه‌های مشابه آن‌ها در سایر محوطه‌های اشکانی دیده نشده می‌توان به، دیگچه با لبه‌ی متمایل به داخل که در قسمت داخل ضخیم شده (طرح ۵: ۳؛ تصویر ۱۰: ۳) و دیگچه با لبه‌ی گرد شده‌ی متمایل به داخل (طرح ۵: ۴؛ تصویر ۱۰: ۴) اشاره کرد.

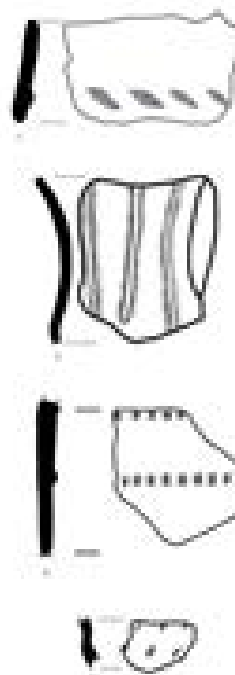
۵. جام: جام با لبه‌ی نازک گرد شده‌ی خمیده به خارج (طرح ۶: ۱؛ تصویر ۱۱: ۱) که مشابه نمونه‌ی گزارش شده از شاتور شوش (Boucharlat & Labrousse, 1979: fig 29: 4) است؛ با این تفاوت که نمونه‌ی معرفی شده از شوش بدون پوشش و به رنگ زرد روشن است.

۶. بشقاب: بشقاب با لبه‌ی شیب‌دار خمیده به خارج (طرح ۶: ۲؛ تصویر ۱۱: ۲) که نمونه‌ی مشابه آن از سایر محوطه‌های اشکانی گزارش نشده است.

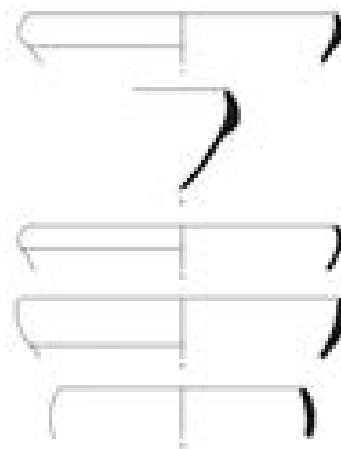
۷. خمره: خمره با لبه‌ی خمیده به خارج و یک حفره در ته آن (طرح ۶: ۳؛ تصویر ۱۱: ۳) که نمونه‌ی مشابه آن از دیگر محوطه‌های اشکانی گزارش نشده است. در میان سفال‌های معمولی، تعدادی از نمونه‌های مطالعه شده مربوط به کف‌های ظروف مختلف هستند که در دو شکل تخت (طرح ۶: ۴ و ۵؛ تصویر ۱۱: ۴ و ۵) و مقعر (طرح ۶: ۶؛ تصویر ۱۱: ۶) ساخته شده‌اند؛ نمونه‌ی شماره ۴ از طرح ۶ مشابه نمونه‌ای از سلوکیه (Debevoise, 1934: fig 178-187: 187) است با این تفاوت که رنگ خمیره نمونه‌ی معرفی شده از سلوکیه زرد پر رنگ است و در هر دو سطح بدون پوشش است؛ نمونه‌ی شماره ۵ از طرح ۶ مشابه نمونه‌ای از خورهه (رهبر، ۱۳۸۲: ۱۵۶، ۶۵) است با این تفاوت که رنگ خمیره نمونه‌ی معرفی شده از خورهه نخودی رنگ است. سفال شماره ۶ از طرح ۶ نیز مشابه نمونه‌ی گزارش شده از سلوکیه (Debevoise, 1934: fig 63-74: 72) است؛ با این تفاوت که رنگ خمیره نمونه‌ی معرفی شده از سلوکیه زرد پررنگ است.

تزیینات سفال معمولی

سفال‌های معمولی دارای چهار نوع تزیین هستند: ۱- تزیین طنابی که بر سطح خارجی سفال دیده می‌شود و مهم‌ترین عنصر تزیینی بر سطح سفال‌های این گورستان است (طرح ۷: ۱؛ تصویر ۱۲: ۱) و به تزیینات طنابی گور خمره‌های اشکانی گورستان طاق‌بستان کرمانشاه (کامبخش‌فرد، ۱۳۷۷: طرح ۱۶) شباهت دارد؛ ۲- تزیین برجسته که به شکل نوارهای موازی بر سطح خارجی سفال دیده می‌شود (طرح ۷: ۲؛ تصویر ۱۲: ۲)؛ ۳- تزیین فشاری انگشتی که به صورت نوار برجسته بر سطح خارجی سفال دیده می‌شود (طرح ۷: ۳؛ تصویر ۱۲: ۳) و به تزیین سفال‌های



▲ طرح ۷: سفال معمولی با تزیین طنابی، برجسته، فشاری انگشتی و فشرده (افشار ۱۳۹۲).

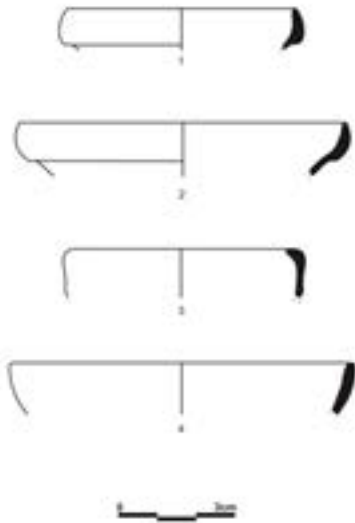


▲ طرح ۸: سفال جلینگی، کاسه‌ها (افشار ۱۳۹۲).

محوطه‌ی تی‌هله در خرم‌آباد (خسروی، ۱۳۸۵: شکل ۳: ۱۱) شباهت دارد؛ ۴- تزیین فشرده که بر سطح خارجی و بر روی لبه‌ی سفال دیده می‌شود (طرح ۷: ۴؛ تصویر ۱۲: ۴)، (طرح ۱: ۳؛ تصویر ۱: ۳).

سفال جلینگی

ویژگی‌های فنی: رنگ سطح داخل و خارج این سفال‌ها: نارنجی، قرمز، قهوه‌ای، قهوه‌ای روشن، قهوه‌ای خیلی روشن، نارنجی قهوه‌ای، خاکستری، و گاهی قهوه‌ای صورتی، نخودی و صورتی است، ولی مغز سفال‌ها معمولاً خاکستری یا خاکستری روشن و تیره است. فقط در یک نمونه دیده شد که رنگ خمیر سفال صورتی رنگ است، که آن هم به دلیل ظرافت بیش از حد بدنه‌ی سفال است. شاموت به کار رفته در سفال مشهود نیست. همه سفال‌ها چرخ‌سازند و شکل منظم و یک‌نواختی دارند. حرارت برای پخت سفال‌ها کافی بوده و بافت آن‌ها محکم و سخت و خمیر آن‌ها منسجم و به هم چسبیده و فشرده است. تمامی سفال‌ها دارای خمیره‌ای ظریف هستند و بر روی سطوح بیرون و درون بیشتر سفال‌ها عمل خاصی انجام نشده، فقط در یک نمونه دیده شد که سطح بیرون و درون سفال صیقلی شده و در نمونه‌ای دیگر سطح درونی سفال دارای پوشش غلیظ قرمز رنگ است. همچنین در بعضی موارد اثر چرخ سفال‌گری بر هر دو سطح سفال دیده می‌شود.

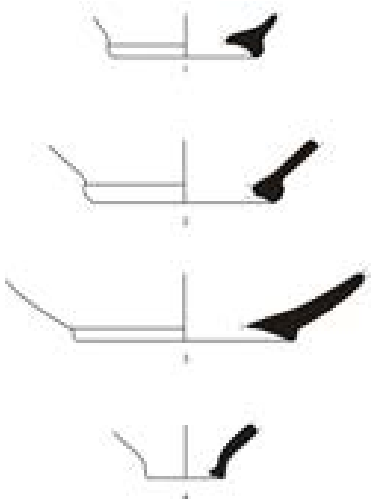


▲ طرح ۹: سفال جلینگی، پیاله‌ها (افشار ۱۳۹۲).

اشکال سفال جلینگی

از اشکال این گروه می‌توان به کاسه‌ها و پیاله‌ها اشاره کرد.

۱. **کاسه‌ها:** از اشکال ویژه و شاخص این سفال می‌توان به کاسه‌ها با لبه‌ی ضخیم برگشته به خارج (طرح ۸: ۱، ۲، ۳؛ تصویر ۱۳: ۱، ۲ و ۳) اشاره کرد؛ که نمونه‌های مشابه آن‌ها از بیستون (Kleiss, 1996: Abb 5)، معبد لائودیسه در نهاوند (رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: شکل ۴: ۲۵، ۲۳)، تپه عظیمیا در منطقه سرپل‌ذهاب (Kleiss, 1973: Abb. 39) و تپه دو آب II در کنگاور (محمدی‌فر، ۱۳۸۴: لوح ۴: ۳۷) گزارش شده است.



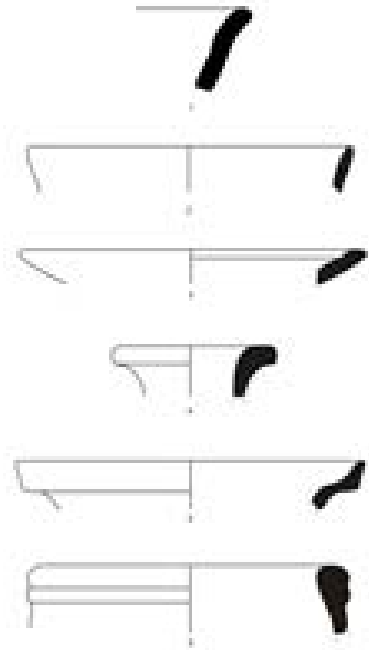
▲ طرح ۱۰: سفال جلینگی، کف‌های مقعر (افشار ۱۳۹۲).

از اشکال دیگر، کاسه با لبه‌ی گرد شده و یک شیار بر روی بدنه در قسمت خارجی (طرح ۸: ۴؛ تصویر ۱۳: ۴) است که مشابه نمونه‌ی اشکالی گزارش شده از تپه‌ی نوشیجان (Haerincx, 1983: fig15: 7) است؛ با این تفاوت که قطر نمونه‌ی معرفی شده از نوشیجان کم‌تر است.

کاسه‌ی کوچک با لبه‌ی گرد شده‌ی خمیده به داخل و بدنه‌ی کروی (طرح ۸: ۵؛ تصویر ۱۳: ۵) که مشابه نمونه‌های گزارش شده از خورهه (رهبر، ۱۳۸۲: ۱۶۲، ۱۲۱)، معبد لائودیسه در نهاوند (رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: شکل ۴: ۲۴)، قلعه‌ضحاک آذربایجان (Kleiss, 1973: Abb 22: 4) و منطقه‌ی ماه‌نشان زنجان (خسروزاده و عالی، ۱۳۸۳: طرح ۱۱: ۷) است.

۲. **پیاله‌ها:** از شاخص‌ترین اشکال این گروه می‌توان به پیاله‌ها با لبه‌ی ضخیم برگشته به خارج (طرح ۹: ۱ و ۲؛ تصویر ۱۴: ۱ و ۲) اشاره کرد؛ که نمونه‌های مشابه آن‌ها از بیستون (علیزاده، ۱۳۸۲: شکل ۴: ۶؛ Kleiss, 1996: Abb 5) گزارش شده است.

از اشکال دیگر، پیاله با لبه‌ی خمیده به داخل (طرح ۹: ۳؛ تصویر ۱۴: ۳) که نمونه‌های مشابه آن از سایر محوطه‌های اشکانی گزارش نشده است. نمونه‌ی دیگر، پیاله با لبه‌ی گرد شده‌ی ساده (طرح ۹: ۴؛ تصویر ۱۴: ۴) است که نمونه‌ی مشابه آن از بیستون (Haerincq, 1983: fig 15: 1) گزارش شده است. در میان سفال‌های جلینگی کف‌های مقعر (طرح ۱۰: ۴؛ تصویر ۱۵: ۴-۱) نیز دیده می‌شود، این نوع از کف‌ها در محل اتصال کف به بدنه ظرف یک تورفتگی دارند و متعلق به ظروفی با کارکردهای مختلف هستند؛ نمونه‌ی مشابه با سفال شماره ۱ از طرح ۱۰، از معبد لائودیسه در نهاوند (رهبر و علی‌بیگی، ۱۳۹۰: شکل ۴: ۶۱) گزارش شده است. سفال شماره ۲ از طرح ۱۰ نیز مشابه به نمونه‌ای است که از منطقه غرب برکه‌چشمه، پایین دست دره نقش برجسته داریوش (Kleiss, 1996: Abb 15) گزارش شده است؛ اما نمونه‌های مشابه با سفال‌های شماره ۳ و ۴ از طرح ۱۰ از سایر محوطه‌های اشکانی گزارش نشده است.



تزیینات سفال جلینگی

سفال‌های جلینگی به‌دست آمده از گورستان محوطه سنگ‌شیر همدان همگی ساده و فاقد تزیین هستند.

سفال لعاب‌دار

ویژگی‌های فنی: خمیره سفال‌های لعاب‌دار نخودی رنگ و شاموت آن‌ها: ماسه نرم، شن و ماسه، است و گاهی در برخی نمونه‌ها دانه‌های سفید نیز دیده می‌شود. تمامی سفال‌ها چرخ سازند و با حرارت مناسب پخته شده‌اند و بافت منسجم و به‌هم فشرده دارند، گرچه یک نمونه دارای بافت دانه‌ای است. لعاب سطح بیشتر سفال‌ها وضعیت مناسبی ندارد و در برخی از نمونه‌ها تقریباً تمام لعاب از بین رفته و فقط ته‌رنگ یا بخش کوچکی از آن و یا پوسته‌ی زیر لعاب باقی مانده است. در یک نمونه فقط پوسته‌ی زیر لعاب بر هر دو سطح باقی مانده است. لعاب باقی‌مانده بر سطح نمونه‌های دیگر نیز مات و ترک خورده است، و فقط در دو مورد از سفال‌ها لعاب به‌طور کامل سالم باقی مانده است. لعاب به‌کار رفته بر سطح سفال‌ها به رنگ: سبز، سبز تیره و سبز روشن است. بیشتر سفال‌ها دارای خمیره‌ای متوسط هستند و فقط دو مورد دارای خمیره‌ی ظریف است.

▲ طرح ۱۱: سفال لعاب‌دار، کاسه‌ها و کوزه‌های گردن‌دار (افشار ۱۳۹۲).

اشکال سفال لعاب‌دار

از اشکال این گروه می‌توان به کاسه‌ها و کوزه‌های گردن‌دار اشاره کرد.

۱. **کاسه‌ها:** از اشکال این سفال می‌توان به کاسه با لبه‌ی خمیده به خارج و یک فرورفتگی ملایم زیر لبه‌ی خارجی (طرح ۱۱: ۱؛ تصویر ۱۶: ۱) اشاره کرد که نمونه‌ی مشابه آن از تپه‌ی نوشیجان (Haerincq, 1983: fig 17: 4)، مسجدسلیمان (Debevoise, 1934: fig 200-) و سلوکیه (Ghirshman, 1976: Pl. 49, MIS 340) و (211: 209 and fig 212-219: 219) گزارش شده است؛ با این تفاوت که رنگ لعاب نمونه‌ی نوشیجان سفید تا سبز کم‌رنگ است و قطر لبه نیز از نمونه‌ی سنگ‌شیر کوچک‌تر است؛ رنگ خمیره نمونه‌ی مسجدسلیمان نیز نارنجی مات و قطر لبه از

نمونه‌ی سنگ‌شیر کوچک‌تر است و لعاب سطح داخل و خارج از بین رفته است. با یکی از نمونه‌های گزارش شده از سلوکیه در بین‌النهرین (209: 200-211 fig) از هر لحاظ (فرم، رنگ لعاب و رنگ خمیره) شباهت دارد و با نمونه‌ی دیگر (219-212 fig) با تفاوت در رنگ لعاب قابل مقایسه است.

از اشکال دیگر، که نمونه‌ی مشابه آن‌ها از سایر محوطه‌های اشکانی گزارش نشده است، می‌توان به: کاسه با لبه‌ی گرد شده‌ی خمیده به خارج و بدنه زاویه‌دار (طرح ۱۱: ۲؛ تصویر ۱۶: ۲) و کاسه‌ی دهانه باز با لبه‌ی خمیده به داخل و یک شیار در زیر لبه‌ی داخلی (طرح ۱۱: ۳؛ تصویر ۱۶: ۳) اشاره کرد.

۲. کوزه‌های گردن‌دار: از اشکال این گروه می‌توان به کوزه گردن‌دار با لبه‌ی خمیده به خارج (طرح ۱۱: ۴؛ تصویر ۱۶: ۴) اشاره کرد که نمونه‌ی مشابه آن از سلوکیه در بین‌النهرین (316-307 fig & 297-291 fig Debevoise, 1934: 311) گزارش شده است؛ با یکی از نمونه‌های سلوکیه (316-307 fig) با تفاوت در رنگ لعاب قابل مقایسه است.

از دیگر نمونه‌ها، می‌توان به کوزه‌ی گردن‌دار با لبه‌ی شیب‌دار به سمت خارج و گردن متمایل به داخل (طرح ۱۱: ۵؛ تصویر ۱۶: ۵) و کوزه‌ی گردن‌دار با لبه‌ی گرد شده و یک شیار در قسمت خارجی زیر لبه (طرح ۱۱: ۶؛ تصویر ۱۶: ۶) اشاره کرد که، نمونه‌های لعاب‌دار مشابه آن‌ها از دیگر محوطه‌ها گزارش نشده است.

تزیینات سفال لعاب‌دار

سفال‌های لعاب‌دار به‌دست آمده از گورستان محوطه سنگ‌شیر همدان همگی ساده و فاقد تزیین هستند.

تاریخ‌گذاری گورستان سنگ‌شیر همدان

تاریخ‌گذاری گورستان سنگ‌شیر همدان بر اساس مطالعه سفال‌های به‌دست آمده از کاوش این محوطه و مقایسه آن‌ها با دیگر محوطه‌های کاوش شده‌ی غرب، جنوب‌غرب، شمال‌غرب ایران و مرکز بین‌النهرین (سلوکیه) است.

گونه سفال‌های معمولی با توجه به ویژگی‌های فنی آن‌ها از جمله کاربرد پوشش گلی قرمز رنگ که شاخص دوره اولیه است و یا به‌کار بردن پوشش گلی بر روی تمام سطح ظروف و یا بخش بالایی سفال که معمولاً از ویژگی‌هایی است که در سفال‌های دوره‌ی میانه اشکانی می‌توان مشاهده کرد (Haerink, 1983: 24,38)؛ و همچنین با در نظر گرفتن اشکال متنوع این‌گونه سفال از جمله جام‌هایی با کف صاف (طرح ۶: ۱) که متعلق به سده سوم-اول ق.م. است و یا کاسه‌هایی با لبه‌ی خمیده به خارج و بدنه زاویه‌دار (طرح ۱: ۲) که طبق نظر "رمی بوشارلا"، این‌گونه شکل‌ها از دوره اولیه و حتی پیش از آن، از دوره هخامنشی وجود داشته است (Haerink, 1983: 22, 56)؛ و با توجه به مقایسه آن‌ها با دیگر محوطه‌های تاریخ‌گذاری شده‌ی غرب (کنگاور، بیستون، خورده و محوطه‌ی تی‌هله در خرم‌آباد)، جنوب‌غرب (تپه داروغه، لایه‌ی سوم کاخ شائور در شوش، آپادانای شرقی شوش، شهر شاهی شوش در لایه‌ی VI و مسجدسلیمان)، شمال‌غرب ایران (گرمی‌مغان) و مرکز بین‌النهرین (سلوکیه)، مربوط به اوایل و اواسط دوره اشکانی است.



تصویر ۱۰- سفال معمولی، دیکجه‌ها
تصویر ۹- سفال معمولی، کوزه‌های بدون گردن
تصویر ۸- سفال معمولی، کوزه‌های گردن‌دار
تصویر ۷- سفال معمولی، پیاله‌ها
تصویر ۶- سفال معمولی، کاسه‌ها



تصویر ۱۴- سفال جلینگی، پیاله‌ها
تصویر ۱۳- سفال جلینگی، کاسه‌ها
تصویر ۱۲- سفال معمولی با تزیین‌های برجسته، فشاری انگشتی و فشرده
تصویر ۱۱- سفال معمولی، جام، بشقاب، خمره، و کف‌های تخت و مقعر



تصویر ۱۶- سفال لعابدار، کاسه‌ها و کوزه‌های گردن‌دار
تصویر ۱۵- سفال جلینگی، کف‌های مقعر



جدول توصیف سفال‌های طرح ۱. (افشار ۱۳۹۲).

| ردیف | تراشه | گمانه | رنگ خمیره | شاموت | رنگ سفال بیرون | رنگ سفال درون | وشش بیرون | وشش درون | کنیک ساخت | کیفیت ساخت | میزان پخت | پرواخت | نوع و محل تزیین | توضیحات | نمونه قابل مقایسه |
|------|-------|--------|--------------|--------------------------------------|-------------------|------------------|-----------|----------|-----------|------------|-----------|---------------------|----------------------|--|--|
| ۱ | J13 | - | قهوه ای روشن | شن و ماسه | قرمز (ریخته) | قرمز (ریخته) | کلی غلیظ | کلی غلیظ | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. ۱۷۳۸، ص ۱۱:۲۳۳ خسرزاده و عالی، ۱۷۳۸، شکل ۲:۵۹ | علی بیگی ۱۳۸۸، ص ۱۱:۲۳۳ خسرزاده و عالی، ۱۷۳۸، شکل ۲:۵۹ |
| ۲ | J12 | - | نخودی | شن | نخودی | نخودی | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | هر دو سطح دست مرطوب | - | محمدرضا فر ۱۳۸۴، لوح ۱۲:۱۲ Haerink 1983, Fig 9: 8 | - |
| ۳ | G10 | - | قهوه ای | شن، ماسه، سنگ ریزه و ناخالصی ذرات کج | قهوه ای | قهوه ای | - | - | دست ساز | متوسط | ناکافی | - | تزیین فشرده- روی لبه | Kleiss 1970, Abb 25: 3 | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. |
| ۴ | - | T.T. 2 | قهوه ای روشن | شن، ماسه، دانه های سفید | نخودی | ؟ | کلی رقیق | ؟ | چرخ ساز؟ | متوسط | کافی | - | - | Kleiss 1970, Abb 26: 55 | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. |
| ۵ | C13 | - | قهوه ای روشن | شن، سنگ ریزه و دانه های سفید | قرمز (ریخته) | قرمز | کلی غلیظ | کلی غلیظ | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | - | - |

جدول توصیف سفال‌های طرح ۲. (افشار ۱۳۹۲).

| ردیف | تراشه | گمانه | رنگ خمیره | شاموت | رنگ سفال بیرون | رنگ سفال درون | پوشش بیرون | پوشش درون | کنیک ساخت | کیفیت ساخت | میزان پخت | پرواخت | نوع و محل تزیین | توضیحات | نمونه قابل مقایسه |
|------|-------|-------|-------------------|-------------------------------------|-------------------|-------------------|------------|-----------|-----------|------------|-----------|---------------------|--|---|-----------------------------|
| ۱ | - | T.T.2 | قهوه ای خیلی روشن | شن، ماسه، دانه های سفید | نخودی | قهوه ای خیلی روشن | کلی رقیق | ندارد | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | - | Debevoise 1934, Fig 1-10: 6 |
| ۲ | - | T.T.2 | صورتی | نامشهود | خیلی روشن | قهوه ای | ندارد | ؟ | چرخ ساز | ظریف | کافی | سطح بیرون دست مرطوب | - | خسرزاده و عالی، ۱۷۳۸، شکل ۲:۱۴۴ خسرزاده و عالی، ۱۷۳۸، شکل ۱۴:۲۷ | - |
| ۳ | C13 | - | نارنجی روشن | شن، ماسه، دانه های سفید | قرمز (ریخته) | قرمز | کلی غلیظ | کلی غلیظ | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | علی بیگی ۱۳۸۸، ص ۶:۲۳۴ | - |
| ۴ | - | T.T.2 | نارنجی تیره | شن، ماسه، دانه های سفید به مقدار کم | نارنجی تیره | ؟ | - | ؟ | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. | Kleiss 1996, Abb 9 | |
| ۵ | - | T.T.2 | نارنجی | نامشهود | نارنجی | نارنجی | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | Kleiss 1970, Abb 25: 3 | - |

جدول توصیف سفال‌های طرح ۳. (افشار ۱۳۹۲).

| ردیف | تراشه | گمانه | رنگ خمیره | شاموت | رنگ سفال بیرون | رنگ سفال درون | پوشش بیرون | پوشش درون | کنیک ساخت | کیفیت ساخت | میزان پخت | پرواخت | نوع و محل تزیین | توضیحات | نمونه قابل مقایسه |
|------|-------|-------|-------------------|-------------------------|-------------------|------------------|------------|-----------|-----------|------------|-----------|--------|--------------------|--|---------------------------------|
| ۱ | - | T.T.2 | نارنجی تیره | شن، دانه های سفید | نارنجی | نارنجی | - | - | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. | Kleiss 1970, Abb 26: 5 |
| ۲ | B15 | - | قهوه ای روشن | شن، ماسه | نخودی | نخودی | کلی غلیظ | کلی غلیظ | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. | خسرزاده و عالی، ۱۷۳۸، شکل ۲:۱۴۶ |
| ۳ | C13 | - | نارنجی روشن | شن، دانه های سفید | نخودی | نخودی | کلی غلیظ | کلی غلیظ | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | خسرزاده و عالی، ۱۷۳۸، شکل ۸:۸ | - |
| ۴ | F7 | - | نارنجی | شن، ماسه، دانه های سفید | نخودی | نخودی | کلی رقیق | کلی رقیق | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. | Boucharlat 1987, Fig 64: 3 |
| ۵ | E7 | - | قهوه ای خیلی روشن | ماسه، دانه های سفید | نخودی | نخودی | کلی غلیظ | کلی غلیظ | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. | - |

جدول توصیف سفال‌های طرح ۴. (افشار ۱۳۹۲).

| ردیف | تراژنسه | گمانه | رنگ خمیره | شاموت | رنگ سفح بیرون | رنگ سفح درون | پوشش بیرون | پوشش درون | تکنیک ساخت | کیفیت ساخت | میزان پخت | پراخت | نوع و محل تزئین | توضیحات | نمونه قابل مقایسه |
|------|---------|-------|-------------|-----------------------------------|---------------|--------------|------------|-----------|------------|------------|-----------|-------|-----------------|--|--|
| ۱ | E7 | - | نارنجی | شن، ماسه، دانه های سفید | نارنجی | نخودی تیره | - | کلی غلیظ | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطفه است. | - |
| ۲ | D12 | - | نارنجی روشن | شن، ماسه نرم، دانه های سفید | نخودی روشن | نارنجی روشن | کلی رقیق | - | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | - | - |
| ۳ | - | T.T.2 | قهوه ای | شن، ماسه، دانه های سفید | نارنجی تیره | قهوه ای | - | - | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطفه است. | - |
| ۴ | B15 | - | قرمز | شن، ماسه، دانه های سفید، خرده سنگ | صورتی | صورتی | - | - | چرخ ساز | خشن | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطفه است. | - |
| ۵ | B15 | - | نارنجی تیره | ماسه | قهوه ای روشن | ؟ | کلی غلیظ | ؟ | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطفه است. | Keall & Keall 1981, Fig 11: 19 علی بیگی ۱۳۸۸، ص ۲۴۵: ۱۱ |

جدول توصیف سفال‌های طرح ۵. (افشار ۱۳۹۲).

| ردیف | تراژنسه | گمانه | رنگ خمیره | شاموت | رنگ سفح بیرون | رنگ سفح درون | پوشش بیرون | پوشش درون | تکنیک ساخت | کیفیت ساخت | میزان پخت | پراخت | نوع و محل تزئین | توضیحات | نمونه قابل مقایسه |
|------|---------|-------|-------------|-----------------------------------|---------------|--------------|------------|-----------|----------------------------|------------|-----------|-------|------------------------|--|----------------------|
| ۱ | G10 | - | نارنجی تیره | شن، ماسه، دانه های سفید، خرده سنگ | قهوه ای روشن | قهوه ای روشن | - | - | چرخ ساز | متوسط | ناکافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطفه است. | خسروی ۱۳۸۵، شکل ۶: ۲ |
| ۲ | G10 | - | قهوه ای | شن، ماسه، دانه های سفید | قهوه ای | قهوه ای | - | - | ترکیبی (چرخ ساز و دست ساز) | خشن | ناکافی | - | تزئین فشرده- سطح بیرون | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطفه است. | رهبر ۱۳۸۲، ص ۱۵۱: ۱۹ |
| ۳ | G10 | - | قرمز | ماسه، دانه های سفید | قهوه ای روشن | ؟ | - | ؟ | چرخ ساز | متوسط | ناکافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطفه است. | - |
| ۴ | G8 | - | قهوه ای | شن، دانه های سفید | نارنجی | قهوه ای روشن | کلی غلیظ | - | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطفه است. | - |

جدول توصیف سفال‌های طرح ۶. (افشار ۱۳۹۲).

| ردیف | تراژنسه | گمانه | رنگ خمیره | شاموت | رنگ سفح بیرون | رنگ سفح درون | پوشش بیرون | پوشش درون | تکنیک ساخت | کیفیت ساخت | میزان پخت | پراخت | نوع و محل تزئین | توضیحات | نمونه قابل مقایسه |
|------|---------|-------|----------------|-------------------------------|---------------|--------------|------------|------------------|----------------------------|------------|-----------|-------|-----------------|--|--|
| ۱ | K9 | - | قهوه ای | ماسه | نخودی | قرمز | کلی رقیق | کلی غلیظ (ریخته) | چرخ ساز؟ | ظریف | کافی | - | - | در سطح درونی سفال اثراتی مانند رد پارچه به صورت عمودی دیده می شود. | Bouchariat & Labrousse 1979, Fig 29: 4 |
| ۲ | - | T.T.2 | قهوه ای-زیتونی | شن، ماسه، دانه های سفید | خاکستری روشن | خاکستری روشن | کلی رقیق | کلی رقیق | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطفه است. | - |
| ۳ | C20 | - | نارنجی | شن، سنگ ریزه، ناخالصی ذرات کچ | ؟ | نارنجی روشن | ؟ | ؟ | ترکیبی (چرخ ساز و دست ساز) | متوسط | کافی | - | - | - | - |
| ۴ | G10 | - | نارنجی | شن، ماسه، ناخالصی ذرات کچ | نارنجی | قرمز تیره | کلی غلیظ | - | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطفه است. | Debevoise 1934, Fig 178-187: 187 |
| ۵ | G7 | - | نارنجی تیره | شن، ماسه، دانه های سفید | نارنجی تیره | نارنجی تیره | - | - | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطفه است. | رهبر ۱۳۸۲، ص ۱۵۶: ۶۵ |
| ۶ | - | T.T.2 | خاکستری روشن | نامشهود | صورتی | صورتی | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | Debevoise 1934, Fig 63- 74: 72 |

جدول توصیف سفال‌های طرح ۷. (افشار ۱۳۹۲).

| ردیف | تراشه | گمانه | رنگ خمیره | شاموت | رنگ سطح بیرون | رنگ سطح درون | پوشش بیرون | پوشش درون | تکنیک ساخت | کیفیت ساخت | میزان پخت | پردازش | نوع و محل تزئین | توضیحات | نمونه قابل مقایسه |
|------|-------|-------|-------------|-----------------------------------|---------------|--------------|------------|-----------|------------|------------|-----------|--------|---|--|-------------------------|
| ۱ | G10 | - | قهوه ای | شن، سنگ ریزه | قهوه ای | قهوه ای | - | - | دست ساز | متوسط | ناکافی | - | تزیین طنابی- سطح بیرون | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. | کامبخش فرد ۱۳۷۷، طرح ۱۶ |
| ۲ | M10 | - | نارنجی | شن، ماسه، دانه های سفید | نخودی | نارنجی | کلی غلیظ | - | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | تزیین برجسته به صورت توارهای مولزی- سطح بیرون | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. | - |
| ۳ | B15 | - | نارنجی | شن، ماسه، دانه های سفید، خرده سنگ | نارنجی روشن | ؟ | - | ؟ | دست ساز | خشن | کافی | - | تزیین شماری انگستی- سطح بیرون | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. | خسروی ۱۳۸۵، شکل ۱۱.۳ |
| ۴ | - | T.T.2 | نارنجی تیره | شن، ماسه، دانه های سفید | نارنجی تیره | نارنجی تیره | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | تزیین فشرده- سطح بیرون | دانه های براق در شاموت احتمالاً به دلیل خاک منطقه است. | - |

جدول توصیف سفال‌های طرح ۸. (افشار ۱۳۹۲).

| ردیف | تراشه | گمانه | رنگ خمیره | شاموت | رنگ سطح بیرون | رنگ سطح درون | پوشش بیرون | پوشش درون | تکنیک ساخت | کیفیت ساخت | میزان پخت | پردازش | نوع و محل تزئین | توضیحات | نمونه قابل مقایسه |
|------|-------|-------|-----------|---------|--------------------------|-------------------|------------|-----------|------------|------------|-----------|--------|-----------------|---------|---|
| ۱ | - | T.T.2 | خاکستری | نامشهود | قهوه ای خیلی روشن | قهوه ای خیلی روشن | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | Kleiss 1996, Abb 5 رهبر و علی بیگی ۱۳۶۰، شکل ۲۵.۴ |
| ۲ | - | T.T.2 | خاکستری | نامشهود | صورتی- قهوه ای خیلی روشن | صورتی | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | Kleiss 1996, Abb 5 رهبر و علی بیگی ۱۳۶۰، شکل ۲۳.۴ |
| ۳ | - | T.T.2 | خاکستری | نامشهود | قهوه ای خیلی روشن | قهوه ای خیلی روشن | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | Kleiss 1996, Abb 5, Abb 17 محمدی فر ۱۳۸۳، لوح ۳.۴۷ |
| ۴ | F6 | - | خاکستری | نامشهود | نارنجی- قهوه ای | ؟ | - | ؟ | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | Hacrinck 1983, Fig 15: 7 |
| ۵ | C13 | - | خاکستری | نامشهود | قهوه ای روشن | قهوه ای روشن | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | رهبر ۱۳۸۳، ص ۱۶۲: ۱۲۱ رهبر و علی بیگی ۱۳۶۰، شکل ۲۴.۴ Kleiss 1973, Abb 22: 4 خسروزاده و عالی ۱۳۸۳، طرح ۷: ۱۱ |

جدول توصیف سفال‌های طرح ۹. (افشار ۱۳۹۲).

| ردیف | تراشه | گمانه | رنگ خمیره | شاموت | رنگ سطح بیرون | رنگ سطح درون | پوشش بیرون | پوشش درون | تکنیک ساخت | کیفیت ساخت | میزان پخت | پردازش | نوع و محل تزئین | توضیحات | نمونه قابل مقایسه |
|------|-------|-------|--------------|---------|-----------------|-----------------|------------|-----------|------------|------------|-----------|--------|-----------------|---------|-------------------------|
| ۱ | F7 | - | خاکستری تیره | نامشهود | قهوه ای | قهوه ای | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | Kleiss 1996, Abb 5 |
| ۲ | F7 | - | خاکستری | نامشهود | قهوه ای روشن | قهوه ای روشن | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | علیزاده ۱۳۸۳، شکل ۶.۴ |
| ۳ | B14 | - | خاکستری تیره | نامشهود | نارنجی- قهوه ای | نارنجی- قهوه ای | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | - |
| ۴ | - | T.T.2 | خاکستری | نامشهود | قهوه ای | قرمز | کلی غلیظ | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | Hacrinck 1983, Fig 15:1 |

جدول توصیف سفال‌های طرح ۱۰. (افشار ۱۳۹۲).

| ردیف | ترانسه | گمانه | رنگ خمیره | شاموت | رنگ سفال بیرون | رنگ سفال درون | پوشش بیرون | پوشش درون | تکنیک ساخت | کیفیت ساخت | میزان پخت | پرداخت | نوع و محل تزئین | توضیحات | نمونه قابل مقایسه |
|------|--------|-------|--------------|---------|----------------|---------------|------------|-----------|------------|------------|-----------|-----------------|--|---------|-------------------------------|
| ۱ | - | T.T.2 | خاکستری روشن | نامشهود | خاکستری روشن | خاکستری روشن | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | رهر و علی رنگی ۱۳۹۰، شکل ۶۱.۳ |
| ۲ | - | T.T.2 | خاکستری | نامشهود | قهوه ای روشن | قهوه ای روشن | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | Kleiss 1996, Abb 15 |
| ۳ | E7 | - | خاکستری | نامشهود | قهوه ای-صورتی | قهوه ای-صورتی | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | هر دو سطح صیقلی | رد چرخ سفالگری در هر دو سطح مشاهده می شود. | - | - |
| ۴ | B14 | - | خاکستری تیره | نامشهود | نارنجی | نارنجی | - | - | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | - |

جدول توصیف سفال‌های طرح ۱۱. (افشار ۱۳۹۲).

| ردیف | ترانسه | گمانه | رنگ خمیره | شاموت | رنگ سفال بیرون | رنگ سفال درون | پوشش بیرون | پوشش درون | تکنیک ساخت | کیفیت ساخت | میزان پخت | پرداخت | نوع و محل تزئین | توضیحات | نمونه قابل مقایسه |
|------|--------|-------|-----------|-------------------------------------|------------------|-----------------|------------------|------------------|------------|------------|-----------|--------|-----------------|--|---|
| ۱ | - | T.T.2 | نخودی | ماسه نرم | سبز تیره (ریخته) | سبز تیره | لعاب دار (ریخته) | لعاب دار | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | - | Haerincq 1983, Fig 17:4 Ghirshman 1976, Pl. 49, MIS 340 Debevoise 1934, Fig 200-211: 209; Fig 212-219: 219 |
| ۲ | - | T.T.2 | نخودی | ماسه نرم | ریخته | سبز (ریخته) | لعاب دار | لعاب دار | چرخ ساز | ظریف | کافی | - | - | سطح بیرونی لعاب ریخته و فقط آستر آن باقی مانده است | - |
| ۳ | - | T.T.2 | نخودی | شن | سبز (ریخته) | سبز (ریخته) | لعاب دار (ریخته) | لعاب دار (ریخته) | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | - | - |
| ۴ | C18 | - | نخودی | شن، ماسه | سبز آبی (ریخته) | سبز آبی (ریخته) | لعاب دار | لعاب دار | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | - | Debevoise 1934, Fig 291- 297: 291; Fig 307- 316: 311 |
| ۵ | - | T.T.2 | نخودی | ماسه نرم، شن | ریخته | سبز (ریخته) | لعاب دار (ریخته) | لعاب دار (ریخته) | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | سطح بیرونی لعاب ریخته و فقط آستر آن باقی مانده است | - |
| ۶ | - | T.T.2 | نخودی | شن، ماسه، دانه های سفید به مقدار کم | ریخته | ریخته | لعاب دار (ریخته) | لعاب دار (ریخته) | چرخ ساز | متوسط | کافی | - | - | هر دو سطح لعاب ریخته و فقط آستر آن باقی مانده است | - |

از مهم‌ترین سفال‌های به‌دست آمده از گورستان سنگ‌شیر، سفال‌های نوع جلینگی است که یک عنصر بسیار شاخص و ویژه‌ی دوره‌ی میانه‌ی اشکانی است که منشأ و تاریخ آن را، احتمالاً از نیمه‌ی اول سده‌ی دوم ق.م. دانستند (Haerincq, 1983: 103)؛ سفال‌های جلینگی گورستان سنگ‌شیر همدان با توجه به مقایسه‌ی آن‌ها با سفال‌های جلینگی دیگر محوطه‌های تاریخ‌گذاری شده‌ی حوزه‌ی غرب (بیستون، نوشیجان و خورهه) مربوط به اواسط دوره‌ی اشکانی است. سفال لعاب‌دار نیز به تعداد اندک از کاوش‌های این گورستان به‌دست آمده که در نتیجه تعداد محدودی شکل برای مقایسه با سایر محوطه‌های اشکانی

وجود داشت؛ گونه سفال لعاب‌دار به‌دست آمده از این گورستان با توجه به خمیره و ویژگی‌های فنی لعاب آن‌ها، که شرایط نامناسبی دارند و در بعضی از ظروف تقریباً تمام لعاب از بین رفته است و در چند نمونه فقط آستر لعاب بر سطح سفال مشاهده می‌شود، یا لعاب در محل‌هایی که بر روی ظرف باقی‌مانده ترک خورده و به آسانی ورقه‌ورقه می‌شود؛ هم‌چنین بر اساس مقایسه آن‌ها با سفال‌های دیگر محوطه‌های تاریخ‌گذاری شده‌ی جنوب‌غرب (مسجد سلیمان) و مرکز بین‌النهرین (سلوکیه)، این گونه سفال مربوط به اوایل دوره‌ی اشکانی است؛ البته در میان سفال‌های لعاب‌دار دو قطعه مربوط به بدنه‌ی ظرف وجود دارد که با توجه به ویژگی‌های فنی لعاب آن‌ها که سالم باقی‌مانده و بدون ترک خوردگی است به‌نظر می‌رسد که مربوط به دوره‌ی میانه‌ی اشکانی باشند.

به‌طور کلی، در نتیجه‌ی مطالعه و گونه‌شناسی سفال‌ها و مقایسه آن‌ها با سفال‌های دیگر محوطه‌های دارای تاریخ‌گذاری در چهار حوزه فرهنگی: غرب، شمال‌غرب، جنوب‌غرب ایران و مرکز بین‌النهرین، سفال‌های به‌دست آمده از گورستان محوطه‌ی سنگ‌شیر همدان مربوط به اوایل و اواسط دوره‌ی اشکانی است؛ که این تاریخ‌گذاری با دیگر مدارک یافت شده از گورستان مذکور از جمله سه سکه‌ی اشکانی که متعلق به مهرداد اول (۱۳۸-۱۷۱ ق.م.)، فرهاد دوم (۱۲۸-۱۳۸ ق.م.) و گودرز دوم (۵۱-۳۸ م.) است، مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری

بررسی گونه‌شناختی و تطبیقی سفال‌های اشکانی گورستان سنگ‌شیر همدان در مورد هر یک از گروه‌های سفالی این نکات را آشکار می‌کند: سفال‌های معمولی محوطه سنگ‌شیر همدان بیشترین نوع سفال است که در دوره‌ی اشکانی مردم ساکن محوطه‌ی سنگ‌شیر از آن استفاده می‌کردند. در نتیجه‌ی مقایسه‌های انجام گرفته مشخص شده که از لحاظ شکل شباهت‌هایی میان سفال‌های به‌دست آمده از این محوطه با سفال‌های محوطه‌های دوره‌ی اشکانی مناطق غرب، جنوب‌غرب، شمال‌غرب ایران، و مرکز بین‌النهرین وجود دارد؛ البته از نظر ویژگی‌های فنی نیز تشابهات بسیار اندکی با حوزه‌های فرهنگی غرب و شمال‌غرب ایران دارند، بر این اساس به‌نظر می‌رسد که پیوندهایی بین محوطه‌ی سنگ‌شیر و محوطه‌های مناطق ذکر شده وجود داشته، که نشان دهنده‌ی ارتباطات فرهنگی بین این مناطق است، اما در این زمینه لازم است به وجوه افتراق و نوآوری‌ها و تاثیر عوامل بومی بر سفال‌های معمولی گورستان محوطه‌ی سنگ‌شیر همدان از جمله: کیفیت ساخت، رنگ، نوع پوشش، شاموت، اشکال جدید و هم‌چنین وجود دانه‌های براق به مقدار بسیار زیاد در شاموت اکثر سفال‌ها که احتمالاً به‌دلیل خاک منطقه بوده و به عمد توسط سفال‌گر به شاموت سفال‌ها اضافه نشده است، اشاره کنیم؛ بنابراین با توجه به مطالب گفته شده به‌نظر می‌رسد که گونه سفال‌های معمولی گورستان محوطه‌ی سنگ‌شیر همدان، دارای ویژگی‌های بومی بوده و گونه‌ای محلی به‌شمار می‌آیند که در کوره‌های محلی تولید شدند و به‌طور کلی از نظر شکل قابل مقایسه با محوطه‌های دیگر حوزه‌های فرهنگی هستند. محوطه‌ی سنگ‌شیر از نظر سفال گونه‌ی جلینگی نیز مشابهت زیادی با سفال

محوطه‌های باستانی غرب ایران دارد؛ ظروف جلینگی محوطه‌ی سنگ‌شیر مشابه ظروفی است که در غرب ایران از: بیستون، تپه‌ی نوشیجان، خورده، تپه‌ی عظیمیا در منطقه سرپل‌ذهاب و تپه‌ی دو آب II در کنگاور به‌دست آمده است. در واقع پراکندگی جغرافیایی سفال‌های گونه‌ی جلینگی در غرب ایران و هم‌گونی این سفال‌ها نشان‌دهنده‌ی هم‌گونی فرهنگی این مناطق نیز هست؛ هم‌چنین سفال جلینگی سنگ‌شیر شباهت اندکی نیز با ظروف جلینگی حوزه‌ی شمال‌غرب ایران (قلعه‌ضحاک و منطقه‌ی ماه‌نشان زنجان) دارد؛ از آنجایی که سفال جلینگی احتمالاً یک تولید مستقل و اصیل بومی غرب ایران است (Haerink, 1983: 42,106) و هم‌چنین با توجه به این که برای بعضی از نمونه‌های جلینگی یافت شده از گورستان محوطه‌ی سنگ‌شیر (۴۷٪) نمونه‌ی مشابهی در سایر حوزه‌های فرهنگی مشاهده نشد، می‌توان نتیجه گرفت که احتمالاً در منطقه‌ی سنگ‌شیر کارگاه‌های محلی برای ساخت این گونه سفال دایر بوده است.

سفال‌های لعاب‌دار محوطه‌ی سنگ‌شیر نیز به سفال متداول بین‌النهرین و جنوب‌غرب ایران شباهت دارد، این گونه سفال خمیره‌ای به رنگ نخودی دارد و با چرخ ساخته شده است که مشخصه سفال بین‌النهرین و جنوب ایران است؛ بنابراین می‌توان گفت که در دوره‌ی اشکانی محوطه‌ی سنگ‌شیر با مناطق بین‌النهرین و جنوب‌غرب ایران ارتباط داشته است و این ارتباط را مشابهت سفال‌های لعاب‌دار این مناطق در دوره‌ی یاد شده نشان می‌دهد، با توجه به این که سفال لعاب‌دار به تعداد بسیار اندک از گورستان محوطه‌ی سنگ‌شیر همدان به‌دست آمده و هم‌چنین با در نظر گرفتن فراوانی سفال لعاب‌دار در بین‌النهرین و خوزستان، می‌توان احتمال داد که این گونه سفال در نتیجه‌ی ارتباط فرهنگی محوطه‌ی سنگ‌شیر با مناطق یاد شده از طریق تجارت از این مناطق وارد شده باشد.

کتابنامه

آذرنوش، مسعود، ۱۳۵۴، «کاوش‌های گورستان محوطه سنگ‌شیر»، در: گزارش‌های سومین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، تهران، یازدهم تا شانزدهم آبان ماه ۱۹۷۳، به کوشش: فیروز باقرزاده، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران، صص ۷۲-۵۱.

آذرنوش، مسعود، ۲۵۳۵، «دومین فصل کاوش در منطقه سنگ‌شیر همدان»، در: گزارش‌های چهارمین مجمع سالانه کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی در ایران، تهران، دوازدهم تا هفدهم آبان ماه ۱۹۷۴، زیر نظر فیروز باقرزاده، تهران: مرکز باستان‌شناسی ایران، صص ۵۹-۴۰.

خسروی، لیلا، ۱۳۸۵، گزارش گمانه‌زنی به‌منظور تعیین عرصه و حریم، محوطه تی‌هله - خرم آباد، گزارش‌های باستان‌شناسی ۵، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۹۰-۷۱.

خسروزاده، علی‌رضا و ابوالفضل عالی، ۱۳۸۳، «توصیف، طبقه‌بندی و تحلیل گونه‌شناختی سفال‌های دوران اشکانی و ساسانی منطقه‌ی ماه‌نشان (زنجان)»، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی باستان‌شناسی ایران، حوزه‌ی شمال‌غرب، به کوشش: مسعود آذرنوش، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۷۰-۴۵.

- خسروزاده، علی رضا و ابوالفضل عالی، ۱۳۸۴ الف، «توصیف، طبقه‌بندی و گونه‌شناسی سفال‌های دوران سلوکی- اشکانی، در بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر»، به کوشش: عباس مقدم، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری- پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۲۴۷-۱۶۵.
- خسروزاده، علی رضا و ابوالفضل عالی، ۱۳۸۴ ب، «گزارش گمانه آزمایشی تپه داروغه (بخش سلوکی - اشکانی)»، در بررسی‌های باستان‌شناختی میاناب شوشتر، به کوشش عباس مقدم، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری- پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۵۲۳-۴۹۷.
- رهبر، مهدی، ۱۳۸۲، کاوش‌های باستان‌شناسی خورهه، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، معاونت پژوهشی میراث فرهنگی استان مرکزی، موسسه فرهنگی و انتشاراتی پازینه.
- رهبر، مهدی و سجاد علی بیگی، ۱۳۹۰، «گزارش پژوهش‌های باستان‌شناختی به‌منظور مکان‌یابی معبد لاتودیسه در نهاوند»، مجله پیام باستان‌شناس، سال هشتم، شماره پانزدهم، صص ۱۶۰-۱۳۳.
- علی اکبر، سرفراز، ۱۳۴۵، پرونده ثبتی گورستان محوطه سنگ‌شیر، مرکز اسناد سازمان میراث فرهنگی (منتشر نشده).
- علیزاده، کریم، ۱۳۸۲، «معرفی سفال‌های "دژ مادی" بیستون، کرمانشاه- کاوش‌های ۱۳۸۱»، گزارش‌های باستان‌شناسی ۲، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی، صص ۱۰۷-۸۷.
- علی بیگی، سجاد، ۱۳۸۹، «از سرگیری پژوهش‌های باستان‌شناختی در محوطه پارتی بیستون»، دو فصلنامه تحلیلی-پژوهشی باستان‌شناسی، تاریخ هنر و مطالعات میان رشته‌ای، مجله انجمن علمی دانشجویان گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس، سال دوم، شماره سوم: ۶۹-۳۹.
- علی بیگی، سجاد، ۱۳۸۸، گزارش پژوهش‌های باستان‌شناختی در محوطه پارتی بیستون، آرشیو پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۷۷، «گورخمره‌های اشکانی»، پیوست یک مجله باستان‌شناسی و تاریخ، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کامبخش فرد، سیف‌الله، ۱۳۸۶، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و احیاء معماری معبد آناهیتای کنگاور و تاق گرا، جلد دوم، گنجینه‌های یافته شده از کاوش‌ها، تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری- پژوهشکده باستان‌شناسی.
- محمدی فر، یعقوب، ۱۳۸۴، بررسی و تحلیل آثار و استقرارهای اشکانی در زاگرس مرکزی، رساله دکتری باستان‌شناسی دوره‌ی تاریخی دانشگاه تربیت مدرس (منتشر نشده).

- Azarnoush, M., 1975, "Hamedan", Iran XIII: 181-182.

- Azarnoush, M., 1979, "Deux Saison de Foulles à la Nécropole de "Sang-e Shir" Hamedan", in Akten des VII. International en Kongresses Für Iranische Kunst und Archäologie München 7-10 September 1976, Archaeologische Mitteilungen Aus Iran, Ergänzungs Band 6, Berlin:

281-286.

-Boucharlat, R. & A. Labrousse., 1979, "Le Palais D' Artaxerxès II Sur La Rive Droite Du Chaour A Suse", DAFI 10: 19-136.

- Boucharlat, R., 1987, Les Niveaux Post- Achéménides à Suse, Secteur Nord, Fouilles de l'Apadana-Est et de la Ville Royale Ouest(1973-1978), DAFI 15: 145-311.

- Debevoise, N.C., 1934, Parthian Pottery From Seleucia on the Tigris, Ann Arbor, University of Michigan press.

- Ghirshman, R., 1976, Terrasses Sacrées de Barde-é Nechandeh et Masjid-i Solaiman, Mémoires Délégation Archéologique En Iran, Tome XLV, Paris.

- Haerinck, E., 1983, La Céramique en Iran Pendant la Période Parthe (ca. 250 av. J.C. à ca. 225 après J.C.): Typologie, Chronologie et Distribution (= Iranica Antiqua Supplément II), Gent.

- Kleiss, W., 1970, "Zur Topographie des Partherhanges in Bistun", Archaeologische Mitteilungen aus Iran, Band 3: 133-168.

- Kleiss, W., 1973, "Bericht Über Erkundungsfahrten In Iran Im Jahre 1972", Archaeologische Mitteilungen aus Iran, Band 6: 7-80.

- Kleiss, W., 1996, "Der Sogenannte Partherhang", in: Kleiss W. & Calmeyer P. (eds.), Bisutun: Ausgrabungen und Forschungen in den Jahren 1963-1967, Teheraner Forschungen VII, Gebr. Mann Verlag, Berlin: 73-84.

- Keall, E. & M.J. Keall., 1981, "The Qaleh-i Yazdgird Pottery: A Statistical Approach", Iran XIV: 33-81.

Rahbar, M., S. Alibaigi, E. Haerinck, & B. Overlaet., 2014, "In Search of the Laodike Temple At Laodikeia In Media/ Nahavand, Iran", Iranica Antiqua XLIX: 301-329.

- Stronach, D., 1969, "Excavations at Tepe Nush-I Jan, 1967", Iran VII: 1-20.

- Stronach, D., 1974, "Achaemenid Village I at Suse and the Persian Migration to Fars", Iraq 36: 239-248.

in clay coffins, burial in clay pithos, burial without coffin (corpse in a flexed position), and burial without coffin (corpse in a extended position). In his 1975 report, Azarnoush divided these burials into three categories: burials flexed is considered as belonging to 4th century BC because of a coin from Caria found; he claims that this coin can possibly be dated back to Hecatomnus, the king who was appointed by Artaxerxes II as the head of Iranian Army that were to fight Evagoras, the rebelling king of Salamis. Burials with or without coffins along northeast-southwest axis in which the head is in the southwest are considered, doubtfully, to belong to Seleucid? period based on comparative studies on excavations in Egypt and Mesopotamia. Burials with or without coffin along northeast-southwest axis in a which the head is in the northeast, are regarded as belonging to the late first half and early second half of 2td century BC based on the coins found in these burials that belong to Mithradates I, Phraates II and Gutarzes II. In this article, the Parthian potteries found in this cemetery were the subject of study, typological analysis, comparison and contrast, which led to the identification of Common, Clinky and Glazed pottery categories. Comparative study investigation indicated that these potteries are similar to the Parthian potteries of central Mesopotamia (Seleucia), west(Kangavar, Bisotun, Tepe Nush-IJan, Khorheh, Ti-Haleh site in Khorramabad Valley), southwest (Tepe Darougeh, level III of Chaour palace-Susa, eastern Apadana-Susa, level VI of Ville Royale in Susa, Masjid Soleiman), and northwest (the site of Germi in Moghan plain) of Iran. Based on the analysis, the pottery set found in Sang-e Shir Cemetery of Hamedan can be dated to the early and middle Parthian period.

Keywords: Hamedan, Sang-e Shir, Cemetery, Parthian Period, Pottery Typology.

Description the Classification and Analysis of Typology of Pottery Parthian Period of Hamedan Sang-e Shir Cemetery

Leila Afshari

M. A. in Archaeology, Islamic Azad Abhar University
le.afshari@gmail.com

Amir Sadeq Naqshineh

Assistant Professor, Department of Archaeology in Islamic Azad Abhar University

Received: 2014/03/20 - Accepted: 2014/09/04

Abstract

Arsacid Empire is one of the least known periods in the history of Iran which, until recently, was called the “dark middle age of ancient Iran civilization”. In Iranian culture and tradition, this period is usually ignored and left unexplored. For years, identification and investigation of Arsacid culture and art were done just based on the excavations carried out in Mesopotamia and Syria, especially in Palmyra and Dura Europos. In Iran, the important sites excavated only include Susa (50 km south Andimeshk and 114 km north of Ahwaz), Khajeh Mountain (in Sistan), Khorheh (in Markazi province), Qale' Yazdgird (in western Iran, close to Qasre Shirin), Tepe Nushi-Jan (60 km south Hamedan), Qale' Zahak (16 km southeast Sareskan city), Taq-i Bustan cemetery (in Kermanshah), Parthian domain of Bisotun (in Harsin city) and Laodicea Temple (in Nahavand). One of the most valuable Arsacid cultural materials is pottery, a difficult, unknown yet important issue studying which is a must. An essential, prominent aspect of Arsacid pottery is that the works of pottery were not identical throughout Arsacid territory. In this period, in every region of Iran, there were works of pottery which were unique to that region and differed from the potteries of neighboring regions. Sang-e Shir area, now known as Sang-e Shir square, is placed at the east of Hamedan city. Today, a very small part of this site has turned into the square and the rest is buried under residential houses. To the northeast of this area, there is a vast cemetery on a natural hill; stone lion statue is located on the highest point to the southwest. This cemetery was visited by Ali Akbar Sarfaraz in 1966, and later, in 1974-75 by Masoud Azarnoush as a result of which Achaemenid, Seleucid?, Parthian and Islamic graves were excavated. As a result of the excavations, four different types of burial were identified including burial